



قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

حسن ظن در اهل تزکیه بودن دیگران

شناسنامه مطلب	
t-166	کد مطلب
تزکیه‌ای / ردائل و فضائل	رده
حسن ظن، سوء ظن، تزکیه، ردائل، فضائل، عبوس	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

خداوند در سوره عبس، نکته خاصی را در باب تزکیه می‌فرماید و به دست همه انسانها، آب پاکی ریخته و تذکری داده تا انسان دیدگاهش را در مساله تزکیه نفس، تصحیح کند. و این را با کارهای علمی و اقتصادی، اشتباه نگیرد که در آنها هرکس کار و استعداد به کار می‌گیرد، پیشرفت می‌کند و عمیق تر می‌فهمد؛ کار تزکیه، اینطور نیست، با این نیست که من چون دارای فلان پست و مقام، یا فلان مدرک تحصیلی هستم، باید فلان نمره را بیاورم، و چطور يك آقای بی سواد به فلان جا می‌رسد، این که نمی‌شود!

خداوند در سوره عبس می‌فرماید: "عَبَسَ وَ تَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى * وَ مَا يَدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَرْكَبُ"

(سوره عبس - آیات ۱ الی ۳)

الله اکبر! اصلا همین آیه، تمام باد دماغ انسان را می‌گیرد. به تفسیر این آیات، نمی‌خواهیم وارد شویم، بعضی می‌فرمایند که خود حضرت، از شدت علاقه ای که برای هدایت مردم داشت، می‌خواست به هر نحوی این اشراف (این بدبختها) بیایند و در جلسه‌ای بنشینند و مسائل بدون خونریزی حل شود و با این دید خاص، برای این ها جلسه ای ترتیب می‌دهند که متناسب با شان خیالی خود آنها باشد. حضرت تازه صحبت را شروع کرده وای بسا حضرت هم از شدت علاقه ای که به هدایت آنها داشت، به جلسه امیدوار هستند و جلسه به ظاهر، امیدبخش است؛ دیدند آقای پیرمرد کوری به نام عبدالله، يك آدم بیابانی، عصا زنان دنبال پیامبر است و می‌گوید او کجاست؟ این جا دو قول است: بعضی ها می‌گویند خود حضرت، چون شدت علاقه برای هدایت اشراف داشت عبوس شد، و یا می‌گویند: یکی از بنی امیه، عبوس نشسته بود، به هر حال، کاری نداریم.

خداوند می‌فرماید:

ای آن که عبوس شدی! (به خیال این که این جلسه، جلسه مهمی است که اگر نتیجه بگیرد، ای بسا در تاریخ اسلام، اثر خواهد داشت) ای آنکه با محاسبات ظاهری و دیپلماسی و امتیازات چنین و چنان، و به هر دلیلی که خیال می‌کنید بهره ای از تزکیه می‌برید! تزکیه رمزی است پیش خود خدا، هر امتیازی، این جا خودش مانع است. برخلاف مسائل علمی، آن جا هر امتیاز عامل پیشرفت است. مثلا کسی سه، چهار کار را یکجا انجام می‌دهد، آشنایی به سه، چهار زبان دارد، به فلان فن آشنایی دارد و... هر امتیاز،

يك قدم برای پیشرفت است، اما در این جا، درست برعکس است. همینکه احساس کرد من دارای این امتیازم، آهان! يك پایش شکست، يك بالش افتاد، حتی در خود تزکیه نفس، همینکه احساس کرد که من دارم پیشرفت می کنم، همین احساس او را محکم به زمین کوبید و پس رفت کرد.

در این آیه خداوند، همه را آن طرف انداخت، با يك عتابی که: "وَمَا يَذْرِيكَ" توجه می فهمی؟! شاید همان کسی که می گویی این دیگه کیه؟! همان، اهل تزکیه باشد.

کتاب فطرت - پایگاه ندای پاک فطرت